



حکمت های غیبت امام عصر(عج) / غیبت امام سرتی از اسرار الهی است

حکمت غیبت از دو دیدگاه عقل و روایات قابل بررسی است که بحث های مختلفی در این باره شده است. البته هیچ یک از این بحث ها، علت تامه غیبت نیست بلکه وجهی از وجوه غیبت است.

حکمت غیبت از دو دیدگاه عقل و روایات قابل بررسی است که بحث های مختلفی در این باره شده است. البته هیچ یک از این بحث ها، علت تامه غیبت نیست بلکه وجهی از وجوه غیبت است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و نهم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی از مسائلی که در دوره غیبت کبری مطرح است این سوال است که چرا امام زمان غائب شده اند؟

اصولاً وقتی این سوال مطرح می شود می تواند دو رویکرد داشته باشد. یکی اینکه این سوال اعتراضی باشد و ما به غیبت اعتراض داشته باشیم. سوال اینگونه مطرح می شود که منافع زیادی با ظهور ایشان وابسته است لذا چرا ایشان غایب شده است و آیا این با عدل و حکمت خدا سازگاری دارد؟ این نوع رویکر صیغه اعتراض دارد که می گوئیم نباید این اتفاق می افتاد.

رویکرد دوم استفهامی است. ما می خواهیم دلیل و حکمت این مطلب را بدانیم. ما خداوند را حکیم می دانیم که حقیقتی است که کار عبث و بی فایده انجام نمی دهد. بنابراین سوال اینگونه است که این غیبت چه حکمتی دارد؟ مسئله ما در پاسخ به سوال اولیه مطرح شده، استفهامی است.

قبل از اینکه به این سوال پاسخ دهیم ۵ نکته را بیان می کنیم.

نکته اول اینکه اینطور نیست که غیبت امام عصر، تنها اختصاص به امت اسلامی داشته باشد. سابقاً در بحث های گذشته گفتیم که مسئله غیبت در بین انبیا و اولیا پیشینه دارد و اینگونه نیست که فقط اختصاص به اسلام داشته باشد. از جمله شخصیتی که مشهور است جاب یوسف(ع) است.

دوم اینکه مسئله غیبت امام زمان از معدود مسائلی است که همه معصومین نسبت به آن اظهار نظر کرده اند. از پیامبر تا امام حسن عسکری(ع) راجع به غیبت امام زمان روایت داریم. در این مورد هم قبلاً بحث کرده ایم.

سومین نکته این است که مراد از غیبت امام، عدم ظهور است، نه عدم حضور. به این معنا که امام دیده نمی شود نه اینکه نیست، هست اما دیده نمی شود.

چهارمین مطلب این است که عدم ظهور به معنای ناشناسی است، نه ناپیدایی. اینطور نیست که جسم امام دیده نشود. بلکه جسم مبارک حضرت، دیده می شود اما شناخته نمی شود. کماینکه این قضیه در مورد جناب یوسف سابقه داشته است.

امام صادق می فرماید «إِنَّ فِي الْقَائِمِ شِبْهَ مَنْ يُوسُفُ إِنَّ أَخُوهُ يُوسُفُ كَانُوا أَسْبَاطًا أَوْلَادَ أَنْبِيَاءِ تَاجَرُوا يُوسُفَ وَبَاعُوهُ وَ هُوَ أَخُوهُ وَ هُوَ أَخُوهُمْ فَلَمْ يَعْرِفُوهُ حَتَّى قَالَ لَهُمْ أَنَا يُوسُفُ...» یعنی قائم (عج) شباهتی با یوسف دارد. برادران یوسف با این که پیغمبر زاده و برادر یوسف بودند و او نیز برادرشان بود، با او تجارت و خرید و فروش کردند و او را نشناختند، تا این که یوسف، خودش را معرفی کرد و گفت: من یوسفم ...

این معنا را قرآن کریم در سوره یوسف آیات ۸۹ و ۹۰ بیان می کند. «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ؛ قَالُوا أَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَتَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقُ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» یعنی گفت آیا دانستید وقتی که نادان بودید با یوسف و برادرش چه کردید؛ گفتند آیا تو خود یوسفی گفت [آری] من یوسفم و این برادر من است به راستی خدا بر ما منت نهاده است بی‌گمان هر که تقوا و صبر پیشه کند خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

بنابراین امام صادق در این بیان شباهت، بر ناشناسی تاکید دارند، نه ناپیدایی.

آخرین نکته این است که اگر ما ادله ای مبنی بر اینکه «چرا امام غایب است؟» را مطرح می کنیم، این ادله یک پاسخ درون گروهی و خاص شیعیان است. یعنی سوال ما استفهامی است که شخص سوال کننده معتقد به امامت حضرت است و معتقد به حیات و زنده بودن امام است.

با حفظ این پنج مقدمه، حکمت های غیبت امام را عرض خواهیم کرد. چیزهایی که بیان می شود چند تاست و اینها علت نامه نیستند، بلکه وجهی از وجوه غیبت امام است.

حکمت غیبت از دو دیدگاه قابل بررسی است. اولی دیدگاه عقل است و دومی از دیدگاه روایات است. ما اول دیدگاه نقل را مطرح می کنیم و بعد در زمان دیگری بحث عقل را مطرح خواهیم کرد.

اولین پاسخی که از ادله نقلی بیان می کنیم این است که به استناد برخی از روایات رازی است که جز پس از ظهور امام کشف نمی شود. یعنی ما در دوره غیبت نمی دانیم چرا امام غائب شده اند ولی وقتی امام ظهور پیدا بکند، چرایی مسئله روشن می شود.

عبدالله ابن فضل هاشمی روایتی از امام صادق نقل می کند که «ان لصاحب هذا الامر غيبه لابد منها يرتاب فيها كل مبطل، فقلت: و لم جعلت فداك؟ قال: لامر لم يؤذن لنا في كشفه لكم قلت. فما وجه الحكمة في غيبه؟ قال وجه الحكمة في غيبه وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله - تعالی ذكره - ان وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف الا بعد ظهوره كما لم ينكشف وجه الحكمة فيما آتاه الخضر (ع) من خرق السفينه و قتل الغلام و اقامه الجدار لموسى (ع) الى وقت افتراقهما»

یعنی همانا برای صاحب الامر غیبتی تخلف ناپذیر است، به طوری که اهل باطل در آن تردید می کنند. عرض کردم: یا بن رسول الله! چرا غیبت می کند؟ فرمود: به علتی که به ما اجازه نداده اند آشکار سازیم. عرض کردم: چه حکمتی در غیبت اوست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجت های پیش از او بوده است، حکمت غیبت قائم بعد از آمدن خود او ظاهر می شود، چنانکه حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر، و کشتن آن بچه، و تعمیر دیوار، برای حضرت موسی ظاهر نگشت، مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند.

امام حسن عسکری (ع) طی روایتی طولانی به جناب احمد ابن اسحاق فرمودند «یا أحمد بن إسحاق هذا : أمر من أمر الله، و سر من سر الله، و غيب من غيب الله، فخذ ما أتيتك و اکتمه و کن من الشاکرين تکن معنا غدا فی علیين» یعنی ای أحمد بن اسحاق، این امری است از امر خدا و رازی است از راز و اسرار خدا، و غیبی است از غیب های خدا، آنچه را که به تو گفتم دریاب، و آنرا نهان دار، و از سپاسگزاران باش، روز قیامت در علیین با ما خواهی بود.

پیامبر (ص) به جابر ابن عبدالله انصاری فرمودند «یا جابر! ان هذا الامر من امر الله و سر من الله مطوی عن عباده فیاک و الشک فی امر الله فهو کفر» یعنی ای جابر! (غیبت امام زمان) سری از اسرار الهی می باشد که بر بندگان پوشیده است، مبادا در امر خدا شک کنی، چرا که تردید در امر خدا کفر است.

لذا اگر بخواهیم در این مسئله شک کنیم، به معنی انکار حکیم بودن الهی است که کفر است.

بنابراین اولین نکته ای که حضرات در حکمت غیبت بیان می کنند مسئله «سری از اسرار الهی» بودن است.

دومین نکته ای که می شود بین روایات پیدا کرد این است که غیبت برای برای امتحان و آزمایش خلایق ذکر می کنند. مسئله ابتلا و آزمایش یکی از سنت های الهی است. تدبیر امور خلقت بر اساس قواعدی است که لایتغیر و لایتبدل است. یکی از آن سنت های الهی ابتلا است. دو آیه در این مورد ذکر می کنیم.

سوره مبارکه ملک آیه ۲ می فرماید «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفْوُ» یعنی خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است و او مقتدر و بسیار آمرزنده است.

سوره مبارکه عنكبوت آیه ۲ می فرماید «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» یعنی آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده ایم رهانشان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟ و محققا ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان را کاملا می شناسد.

اول اینکه ابتلا و امتحان سنتی است که برای جن و ملک بوده است کما اینکه امر به سجده برای ابلیس (که از جن بود) و ملائک آمد. دوم اینکه ابتلا و امتحان برای انبیاء بوده است کما اینکه ابتلا حضرت ابراهیم دیر هنگام صاحب اولاد می شود و پس از آن دستور ذبح آن داده می شود. سوم اینکه امت ها هم دچار ابتلا می شوند، امت حضرت صالح با ناقه امتحان شدند.

امام و معصوم می فرمایند یکی از حکمت های غیبت حضرت ولی عصر، مسئله ابتلای امت است.

زراره از امام صادق نقل می کند که می فرمایند «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قَالَ قُلْتُ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةَ وَ هُوَ الْمُنْتَظَرُ وَ هُوَ الَّذِي يُشَكُّ فِي وِلَادَتِهِ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمَلٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ إِنَّهُ وُلِدَ قَبْلَ مَوْتِ أَبِيهِ يَسْتَنْتِي وَ هُوَ الْمُنْتَظَرُ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ»

یعنی زراره گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: برای آن جوان پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است عرض کردم: چرا؟ فرمود: - و با دست اشاره بشکم خود کرد- (یعنی میترسد شکمش را پاره کنند) سپس فرمود: ای زراره! اوست که چشم براهش باشند، و اوست که در ولادتش تردید شود: برخی گویند: پدرش بدون فرزند مرد، و برخی گویند: در شکم مادر بود (که پدرش وفات یافت و سپس هم بدنیا نیامد) و برخی گویند: دو سال پیش از وفات پدرش متولد شد و اوست که در انتظارش باشند ولی خدای عز و جل دوست دارد شیعه را بیازماید» در زمان (غیبت) است ای زراره که اهل باطل شک می کنند.